

آثار روش تربیتی تغافل در خانواده از دیدگاه اسلام

زینب خداوردی^۱

چکیده

تغافل یکی از فضایل اخلاقی و مفاهیمی است که در قرآن و روایات اسلامی به آن اشاره شده است که به معنای چشم‌پوشی آگاهانه و خودخواسته از برخی امور می‌باشد. این مفهوم، با واژه‌هایی همچون؛ عفو، صفح، کتمان و اغماض مرتبط بوده و به عنوان یک اصل تربیتی در زندگی فردی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. بر همین مبنا، مقاله حاضر که با روش توصیفی و با مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است سعی دارد به آثار روش تربیتی تغافل بپردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تغافل از ایجاد نگرانی‌های بی‌مورد، بروز کینه و دشمنی جلوگیری کرده و زمینه‌ساز آرامش، همزیستی مسالمت‌آمیز و تعالی اخلاقی است. نمونه‌های عملی این رفتار در زندگی انبیاء و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) قابل مشاهده است. در نهاد خانواده، تغافل به عنوان یکی از ابزارهای مهم تربیت، نقش بسزایی در کاهش تنش‌ها و استحکام روابط خانوادگی دارد و سبب ایجاد محیطی امن و آرام برای رشد و تکامل افراد خانواده می‌شود.

واژگان کلیدی: تغافل، تربیت اسلامی، تحکیم خانواده، روابط خانوادگی.

^۱. اردبیل، شهرستان خلخال، حوزه علمیه الزهراء (سلام الله علیها).

مقدمه

در جهان امروزی که روابط انسانی تحت تأثیر مشکلات روانی و اجتماعی قرار گرفته است، از شیوه‌های مختلفی برای حل این مسئله به کار برده شده است. یکی از روش‌های تربیتی که نقش مهمی در تحکیم خانواده و کاهش این مشکلات دارد، روش تغافل است. تغافل یکی از مفاهیم ارزشمند اسلامی است که به معنای چشم‌پوشی آگاهانه از برخی خطاها و لغزش‌ها تعریف می‌شود. تغافل با ایجاد فضایی برای کاهش برخوردها و حفظ کرامت افراد، می‌تواند در ایجاد روابط صمیمانه‌تر و پایدارتر میان افراد خانواده و جامعه تأثیرگذار باشد. از این جهت، پرداختن به این موضوع اهمیت دارد.

از جمله پژوهش‌ها و مطالعاتی که در زمینه‌ی آثار روش تربیتی تغافل در تحکیم خانواده صورت گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. مقاله‌ی «تغافل؛ شیوه مغفول در تربیت»، نویسندگان: فاطمه السادات موسوی ندوشن و دیگران، ۱۳۹۶. (هدف این پژوهش، بررسی مفهوم‌شناسی تغافل تبیین انواع و آثار تربیتی میان مربی و متربی است.)

۲. مقاله‌ی «مبانی انسان‌شناختی و اصول زیربنایی روش تغافل براساس آموزه‌های اسلامی»، نویسندگان: فاطمه وجدانی، ۱۳۹۸. (هدف از انجام این پژوهش، شناسایی مبانی انسان‌شناختی و اصول تربیتی زیربنایی روش تغافل، بررسی شرایط، حدود و ثغور و موارد کاربرد یا ممنوعیت کاربرد روش تربیتی تغافل است.)

با توجه به پیشینه‌ی فوق؛ تحقیق حاضر قصد دارد با هدف بررسی تغافل به عنوان یک فضیلت اخلاقی، نقش آن را در تربیت خانواده و اهمیت آن در ساختار اجتماعی به تحلیل این مفهوم می‌پردازد.

۱. تبیین مفهومی تغافل

قبل از پرداختن به بحث اصلی مقاله لازم است در رابطه با معنای تغافل و جایگاه آن در اسلام بیان شود.

۱-۱. تعریف تغافل

تغافل از ریشه‌ی «غفل» و از باب تفاعل است، که در لغت به معنای نادیده گرفتن، چشم پوشی و غفلت آمده است.^۱ و درباره کسی است که غافل نیست؛ اما عمل و رفتار شخص غافل را انجام می‌دهد، ولی برای حفظ منزلت انسانی خویش طوری رفتار می‌کند که ندیده، نشنیده و نمی‌داند.^۲

در اصطلاح، تغافل را می‌توان به اصل صحت ملحق کرد. به این معنا که، عمل فرد مسلمان درست است و اگر احتمال نادرستی در آن رود، نباید به چنین احتمالی اعتنا کرد.^۳ بر این وجه، هرگاه عمل و رفتاری که تأمل برانگیز باشد مشاهده شود، باید آن را به نحو شایسته‌ای توجیه کنیم.^۴ در تعریفی دیگر؛ تغافل؛ یعنی انسان چیزهایی را بداند و پنهان کردن آن پسندیده‌تر از آشکار نمودن آن باشد. در این صورت، فرد با بی‌اطلاعی نسبت به آن موضوع یا به جهت بزرگواری، آن را بروز نمی‌دهد تا آبروی طرف مقابل حفظ شود.^۵ به دیگر سخن، یعنی انسان چیزی را بداند و از آن آگاه باشد؛ اما با اراده و یا عمداً خود را به غفلت نشان داده و وانمود می‌کند که از آن آگاه نیست.^۶

با این معنا، قرآن و تعالیم اسلامی از تغافل به عنوان یک فضیلت بیان نموده است، که با واژه‌هایی همچون، عفو، صفح، کتمان، اغماض تناسب دارد. عفو به معنای گذشت از گناهان است.^۷ و ممکن است کسی را پس از محکوم شدن به مجازات عفو کنند، ولی در تغافل، رفتار نامناسب به کلی دیده نمی‌شود.^۸ قرآن در این رابطه چنین فرمودند: «وَإِذْ قَالَتْ أُمُّهُم مِّنْهُمْ لَمَ

۱. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۵، ص ۵۴۷.

۲. رشیدپور، پرورش‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی، ص ۱۶۹.

۳. باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۴. همان، ص ۱۹۹.

۵. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳۶۳.

۶. فلسفی، گفتار فلسفی (اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی)، ص ۴۰۳.

۷. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۳۰۰.

۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۱، ص ۴۴۶.

تَعْظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إلی رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ و گروهی از بنی اسرائیل که در برابر بد کاری‌های دیگران ساکت بودند، به پند دهندگان خیرخواه و دلسوز گفتند: چرا گروهی را که خدا هلاک کننده آنان یا عذاب کننده آنان به عذابی سخت است، پند می‌دهید پند دادن شما کاری نابجاست. گفتند: برای اینکه در پیشگاه پروردگارمان نسبت به رفع مسئولیت خود عذر داشته باشیم و شاید آنان از گناهانشان بپرهیزند.^۱

یا در جای دیگر در قرآن مثالی بیان شده است که حکایت از تغافل دارد. وقتی فرزندان یعقوب نبی (علیه‌السلام)، برادرشان یوسف (علیه‌السلام) را در چاه انداختند و نزد پدر، گرگ را مقصر شناختند، آن حضرت نه با آنان به درشتی سخن گفت و نه تکذیب‌شان کرد؛ بلکه فرمود: «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ؛ بلکه نفس شما کاری را برایتان جلوه داده است. اکنون من صبری نیکو پیشه می‌کنم.»^۲ و از خداوند یاری خواست. و در مثلی دیگر چنین بیان شده است: وقتی پیمانۀ زرین پادشاه را در بار بنیامین یافتند، برادران یوسف (علیه‌السلام) بی‌درنگ گفتند: «إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ؛ اگر دزدی کرده، پیش از این هم برادرش دزدی کرده است.» در این هنگام یوسف صدیق (علیه‌السلام) دلخوری‌اش را از آنان پنهان کرد و با خود گفت: «أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ؛ شما جایگاه بدتری دارید و خداوند به آنچه توصیف می‌کنید، داناتر است.»^۳

صفح نیز به معنای، گذشت کردن آمده است. قرآن در این باره می‌فرماید: «... وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ ... پس در برابر ناهنجاری‌های مردم گذشتی کریمانه داشته باش.»^۴ در این آیه نیز مانند تغافل صفح به معنای پوشاندن است. در واژه کتمان هم معنای پنهان نهفته است.^۵ و اغماض نیز به معنای چشم پوشی، نادیده گرفتن به کار رفته است.^۶ مفاهیم گفته شده در قرآن کریم که در ذیل واژه تغافل آمده است، معنای نزدیک‌تری نسبت به سایر واژه‌ها دارد که معمولاً به معنای چشم‌پوشی و معادل آن به کار برده شده است.

۱. اعراف: آیه ۱۶۴.

۲. یوسف: آیه ۱۸.

۳. یوسف: آیه ۷۷.

۴. حجر: آیه ۸۵.

۵. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، ج ۱۰، ص ۲۴.

۶. معین، فرهنگ معین، ص ۲۳۲.

۱-۲. اهمیت و جایگاه تغافل

از آنجا که مرور کردن خطای دیگران، فضای درونی انسان را نگران ساخته و موجب می‌شود شخصیت فرد تحقیر شود و به تبع آن به اهداف زندگی خود نرسد. بی‌توجهی و تغافل نسبت به دیگران، مایه‌ی آرامش خاطر، معاشرت خوب و مایه‌ی عزّت و بزرگواری است. و به مراتب موجب کمال است.^۱ از این نظر، تغافل از مهم‌ترین پایه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در خانواده و در روابط اجتماعی است. از امام سجاد (علیه‌السلام) که به فرزندش امام باقر (علیه‌السلام) در رابطه با تغافل توصیه‌ای داشتند چنین نقل شده است: «وَأَعْلَمَ يَا بُنَيَّ أَنَّ صَلَاحَ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا فِي كَلِمَتَيْنِ: إِصْلَاحُ شَأْنِ الْمَعَاشِ مِلءُ مِكْيَالٍ ثَلَاثَاهُ فِطْنَةٌ وَثُلُثُهُ تَغَافُلٌ؛ بدان پسر من که صلاح همه‌ی دنیا در دو جمله است: سامان یافتن اوضاع زندگی‌ها، پیمانه‌پری است که دو سوم آن زیرکی و یک سومش چشم‌پوشی و غفلت نمایی است.»^۲

براساس این حدیث، تغافل یکی از روش‌های بسیار ارزشمند در اصلاح دیگران است که در عرصه‌های مختلف می‌توان از آن بهره برد. تا فرد به اشتباه خود پی ببرد. امام علی (علیه‌السلام) در اهمیت و جایگاه تغافل چنین می‌فرماید: «تَغَافُلٌ يُحْمَدُ أَمْرُكُ؛ تغافل کن تا کارت ستایش شود.»^۳ امامان معصوم (علیهم‌السلام) به اقتضای خُلق عظیم، همواره با عفو و اغماض و مدارا با خطاکاران رفتار می‌کردند و این نکته‌ی کلیدی موفقیت آنان در عرصه‌های زندگی آن‌ها بوده است. یکی از همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در رابطه با ایشان چنین بیان می‌کند: «كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا، لَمْ يَكُنْ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا، وَلَا صَخَّابًا فِي الْأَسْوَاقِ، وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ مِثْلَهَا، وَلَكِنْ يَعْفو وَيَصْفَحُ؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوش‌خوشت‌رین مردم بود. فحش دهنده و بیهوده‌گو نبود و در بازارها فریاد نمی‌کشید و پاداش بدی را با ماندنش نمی‌داد، لکن گذشت و چشم‌پوشی می‌کرد»^۴

توبیخ و سرزنش دیگران نه تنها موجب کینه و دشمنی بین افراد را منجر می‌شود؛ بلکه موجب لجاجت فرد مقابل و تحقیر شدن او در بین دیگران را به همراه دارد. از این رو اسلام با این گونه رفتار به شدت نهی کرده و شیوه تغافل را بیان کرده است تا فرد گنهکار بر تکرار

۱. فقیهی و همکاران، «راه‌کارهای تربیت اخلاقی زمینه ساز ظهور در آموزش و پرورش»، ص ۱۵۲.

۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۷.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۲۴.

۴. بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۳.

۳-۴. ایجاد مقبولیت و خوش‌نامی

با تکریم شخصیت و حفظ حریم زناشویی، مقبولیت و محبوبیت در زندگی زناشویی پیش می‌آید به این صورت که، با تغافل بر خطاها در زندگی زوجین، صفات منفی از بین رفته و همواره رفتارهای پسندیده خانواده بروز پیدا می‌کند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «تَغَافُلُ يُحْمَدُ أَمْرُكَ؛ تغافل کن تا کارت مورد ستایش قرار گیرد.»^۱ چنین عملی سبب خوشنامی زوجین در بین فرزندان و به طبع آن بستگان می‌شود و بر روحیه‌ی اعتماد به نفس اعضای خانواده نقش اساسی دارد. امام باقر (علیه‌السلام) در این بیان می‌فرماید: «صلاح زندگی با مردم، پیمانه‌ی را ماند که دو سوم آن توجه و هوشیاری است و یک سوم آن نادیده گرفتن.»^۲ همین نادیده گرفتن موجب اعتماد دو طرف در زندگی می‌شود. در مقابل، تغافل نکردن یک اشتباه کوچک در خانواده دلیل بزرگی برای اختلاف و دردسر در زندگی است. همین امر موجب بی‌اسم و رسم شدن و بی‌اعتماد شدن می‌شود. پس شایسته است که برای خوشنام شدن در زندگی، روش تربیتی تغافل را در پیش گرفت.

۳-۵. افزایش حلم و بردباری

از دیگر آثار تغافل، افزایش حلم و بردباری است. حلم از صفات انسانی است که بسیار ستایش شده است.^۳ قرآن کریم از این صفت چنین یاد می‌کند: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ؛ و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش جز به سبب وعده‌ای که به او داده بود، نبود که اگر از بت پرستی خودداری کند، برای او آمرزش بخواهد؛ چون برای او روشن شد که وی دشمن خداست از او بی‌زاری جست؛ یقیناً ابراهیم بسیار مهربان و بردبار بود.»^۴

حلم و بردباری نقش به سزایی در تحکیم خانواده ایفا می‌کند. این عامل در صورتی می‌تواند سلامت روابط زناشویی و استحکام بنیان خانواده را به همراه داشته باشد که در اثر تغافل باشد. امام علی (علیه‌السلام) در این رابطه چنین نقل می‌کنند: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهُلِ لَا حِلْمَ

۱. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۲۴.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ص ۴۳۷۴.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۵.

۴. توبه: آیه ۱۱۴.

كَالْتَّغَافُلِ؛ هیچ عقلی مانند خود را به نادانی زدن نیست، و هیچ حلمی مثل خود را به غلت زدن نیست.^۱

با توجه به این حدیث، تنها راه دستیابی به حلم و بردباری در زندگی خانوادگی، بحث گذشت در خانواده است.

۳-۶. اصلاح و بهبودی در رفتار

روش تربیتی تغافل نه تنها موجب حلم و بردباری می‌شود، بلکه اصلاح در رفتار زناشویی و اعضای خانواده را به همراه دارد. روانشناسان معتقدند که چشم‌پوشی و تغافل نسبت به خطای زن و شوهر، فرصتی مناسب برای بهبودی در رفتار بین زوجین است؛ لذا توصیه شده هر خطایی که از سوی زن و شوهر ایجاد می‌شود، روش تغافل صورت گیرد. ولی، اگر انتقاد و نکوهش بر زوجین در رابطه با اشتباه کوچک پیش آید، جرأت لازم جهت جبران اشتباه از زوجین سلب خواهد شد و فرصت تغافل از آن‌ها گرفته می‌شود. در این صورت است که با تداوم تغافل، آثار بسیار مهمی در زندگی خانوادگی زن و شوهر پدیدار خواهد شد و آن استحکام روابط خانوادگی است.^۲ در منابع اسلام به این روش تأکید شده است. آنجا که امام علی (علیه‌السلام) در این باره چنین می‌فرماید: «نیمی از مؤمن تغافل است.»^۳

براساس این حدیث، از نگاه قرآن و اسلام عالی‌ترین حالات روحی در خانواده این است که زن از خطای مرد و مرد از خطای زن بگذرد. امام علی (علیه‌السلام) در جای دیگر می‌فرماید: «یکی از با ارزش‌ترین کارهای کریمان، تغافل از چیزهایی است که از آن آگاه‌اند.»^۴

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ۴۳۷۴.

۲. اکبری فرد، تغافل و نقش تربیتی آن، ص ۵۸.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۳۹.

۴. شریف رضی، نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۲۲.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به منظور بررسی آثار روش تربیتی تغافل در خانواده از دیدگاه اسلام انجام شد. تغافل به‌عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی در تعالیم اسلامی، نقشی حیاتی در تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی ایفا می‌کند. این فضیلت که به معنای چشم‌پوشی آگاهانه و حفظ کرامت انسانی دیگران است، با ایجاد آرامش درونی، تنظیم روابط و کاهش تنش‌ها، محیطی سالم و سازنده برای تعاملات انسانی فراهم می‌آورد. در خانواده، تغافل می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای حل اختلافات، تقویت همبستگی و ایجاد الگویی مثبت برای فرزندان به کار رود. توصیه‌های قرآنی و روایات معصومین (علیهم‌السلام) بر اهمیت این ویژگی اخلاقی تأکید دارند و آن را عاملی برای استحکام بنیان خانواده و حفظ حرمت افراد معرفی می‌کنند. در نهایت، تغافل با ایجاد آرامش، تکریم شخصیت، افزایش بردباری و خوش‌نامی، زندگی خانوادگی را به سمت تعادل و موفقیت سوق می‌دهد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، آل علی (علیه السلام)، ۱۳۸۲.
۲. اکبری فرد، سمیه، تغافل و نقش تربیتی آن، تهران، انتشارات آثار سبز، ۱۳۹۷.
۳. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۳.
۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی برهان، ۱۳۸۲.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، قاهره - مصر، انتشارات جمهوری مصر عربی، ۱۴۱۰.
۶. بهجت، محمد تقی، شط شراب، تهران، تراث، ۱۳۹۷.
۷. بهشتی، بهشتی، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۸.
۸. پاک‌نیا، عبدالکریم، تربیت در سیره و سخن امام حسن (علیه السلام)، قم، هجرت، ۱۳۸۲.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالحديث، ۱۳۸۳.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۶.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، بیروت - لبنان، دارالعلم، ۱۴۱۲.
۱۲. رشیدپور، مجید، پرورش‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی، تهران، انجمن اولیاء، ۱۳۸۶.
۱۳. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت - لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف الرضی، ۱۳۷۰.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۱۷. طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۴.
۱۸. عطیمی‌زاده، احمد، صحیفه امام حسن (علیه السلام)، تهران، انتشارات کرشمه، ۱۳۸۹.

۱۹. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی (اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی)، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، فروغ کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۱. مجلسی، محمد بن باقر محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۲. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث العربی، ۱۴۰۸.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹.
۲۴. میزان الحکمه، قم، مرکز نشر، ۱۳۶۷.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، قم، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، زرین، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی ابن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴.
- مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، نشریه معرفت، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۹۲.

مقالات

۱. انصاری و دیگران، مرضیه، کوثر، «نقش تغافل در تحکیم روابط زوجین»، پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، ش ۴، ۱۳۹۹.
۲. طجری، علی «چشم اندازی بر جایگاه و نقش تغافل در فرایند تربیت با نگرشی اسلامی»، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۱.
۳. فقیهی و همکاران، علی نقی، رضا، «راه کارهای تربیت اخلاقی زمینه ساز ظهور در آموزش و پرورش»، فصل‌نامه علمی پژوهشی مهدوی، ش ۹، ۱۳۹۳.